

# دانشنامه جهان اسلام

ح

---

عزانی، حماد - حلبی

(۱۳)



زیر نظر

غلامعلی صدّاد عادل

معاون علمی

حسن طارمی راد

---

تهران ۱۳۸۸



امام حسین علیه السلام، در برانگیختن مردم بی تأثیر نبود (← مسعودی، مروج، ج ۳، ص ۲۶۷)، اما ریشه قیام به این بازمی‌گردد که پس از قیام عبدالله بن زبیر، که مردم را به خلع یزید و جهاد با او فراخواند، مردم مدینه دعوت وی را پذیرفتند و با عبدالله بن مطیع، نماینده وی، بیعت و بدین‌گونه یزید را از خلافت خلع کردند. در پی آن، یزید از عثمان بن محمد بن ابی سفیان، والی خود در مدینه که فردی بی تجربه بود، خواست تا جمعی از بزرگان شهر را نزد او به شام بفرستد تا سخن ایشان را بشنود و از آنان دلجویی کند (← بلاذری، ج ۴، ص ۲، ص ۳۰-۳۱؛ طبری، ج ۵، ص ۴۷۹؛ ابوالفرج اصفهانی، ج ۱، ص ۲۳). برخی گزارشها نیز گویای این است که چون فرستاده خلیفه، برای بردن صوافی (اموال و اشیای برگزیده برای خلیفه) به مدینه آمد، گروهی از مردم مانع وی شدند و میان آنان و عثمان بن محمد مشاجره‌ای روی داد که به شورش مردم انجامید (← ابن قتیبه، الامامة والسياسة، ج ۱، ص ۱۷۶؛ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۵۰). افزون بر این، آن گروه از بزرگان شهر که عثمان بن محمد نزد یزید فرستاد، به‌رغم نوازشهای یزید، پس از بازگشت به مدینه، عیاشیها و هرزه‌دراییهای خلیفه را برای مردم شرح دادند. با شنیدن این اخبار، مردم شوریدند و عبدالله بن حنظله را به سرکردگی برگزیدند (خلیفه بن خیاط، قسم ۱، ص ۲۸۹؛ بلاذری، ج ۴، قسم ۲، ص ۳۱؛ طبری، ج ۵، ص ۴۸۰). عبدالله در سخنرانی‌ای در میان مردم ناراضی، علت قیام خود را ترس از نزول عذاب الهی به سبب معاصی یزید ذکر کرد (ابن سعد، ج ۵، ص ۶۶)؛ از این رو، مردم یزید را خلع و با عبدالله بن زبیر بیعت نمودند (ابن اثیر، ۱۹۷۰-۱۹۷۳، ج ۳، ص ۲۱۹). آنگاه به اذن ابن زبیر، عثمان بن محمد را از امارت عزل کردند و بر امویان شوریدند و آنان را، که حدود هزار مرد بودند و در منزل مروان بن حکم گرد آمده بودند، محاصره کردند (طبری، ج ۵، ص ۴۸۲؛ مسعودی، مروج، همانجا). به گفته ابن اعثم کوفی (ج ۵، ص ۱۵۶-۱۵۷، ۲۹۲-۲۹۳)، ابن زبیر عبدالله بن حنظله را به عنوان والی مدینه برگزید. این روایت و برخی روایات پیش‌گفته نشان می‌دهند که تا چه اندازه افکار و گرایشهای زبیری بر این قیام و رهبر یا رهبران آن حاکم بوده است.

چون تلاش عبدالله بن جعفر که یزید از او خواسته بود مردم را به اطاعت دعوت کند و نیز نامه تهدیدآمیز یزید و وساطت نعمان بن بشیر در فرونشاندن قیام مدینه مؤثر نیفتاد (ابن قتیبه، الامامة والسياسة، ج ۱، ص ۱۷۷-۱۷۸؛ طبری، ج ۵، ص ۴۸۱)، یزید تصمیم گرفت برای سرکوب مردم مدینه لشکری تجهیز کند. بعد از امتناع عبیدالله بن زیاد از پذیرش فرماندهی لشکر، وی مسلم بن عقبه مزی را مأمور این کار کرد (ابن اثیر، ۱۳۹۹-۱۴۰۲، ج ۴، ص ۱۱۱-۱۱۲). شمار لشکریان او را

بریل، ۱۹۰۹/۱۳۲۷، چاپ افست تهران ۱۳۶۰ ش؛ ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک، تهران ۱۳۵۲ ش - ؛ عبدالحسین امینی، شهداء الفضيلة، قم ۱۳۵۲ ش؛ ادوارد گرانویل براون، تاریخ ادبی ایران؛ ج ۳: از سعدی تا جامی، ترجمه و حواشی علی اصغر حکمت، تهران ۱۳۵۷ ش؛ محمدعلی تربیت، دانشمندان آذربایجان، تهران ۱۳۱۴ ش؛ محمدامین حشری تبریزی، روضه اطهار: مزارات متبرکه و محلات قدیمی تبریز و توابع، چاپ عزیز دولت آبادی، تبریز ۱۳۷۱ ش؛ احمد بن محمد خوافی، مجمل فصیحی، چاپ محسن ناجی نصرآبادی، تهران ۱۳۸۶ ش؛ خواندمیر؛ روشن خیای، حروفیه: تحقیق در تاریخ و آراء و عقاید، تهران ۱۳۷۹ ش؛ محمدتقی دانش‌پژوه، فهرست میکروفیلمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱، تهران ۱۳۴۸ ش؛ حسن روملو، احسن التواریخ، چاپ عبدالحسین نوائی، تهران ۱۳۸۴ ش؛ هلموت ریتز، آغاز فرقه حروفیه، ترجمه حشمت مؤید، [بی‌جا، بی‌تا.]: محمد بن عبدالرحمان سخاوی، الضوء اللامع لاهل القرن التاسع، قاهره: دارالکتاب الاسلامی، [بی‌تا.]: سید اسحاق، محرم‌نامه، در مجموعه رسائل حروفیه، همان؛ احمد بن مصطفی طاشکوبری زاده، الشقائق النعمانية فی علماء الدولة العثمانية، بیروت ۱۳۹۵/۱۹۷۵؛ محمد صادق کیا، واژه‌نامه گرگانی، تهران ۱۳۳۰ ش؛ عبدالباقی گولپینارلی، فهرست متون حروفیه، ترجمه ه. سبحانی، تهران ۱۳۷۴ ش؛ محمدعلی مدرس تبریزی، ریحانة الادب، تهران ۱۳۶۹ ش؛ نصرالله بن حسن نافجی، خوابنامه، در [مجموعه نسخ خطی فارسی کتابخانه واتیکان، ۱۰۵۹]: نهایت‌نامه، در مجموعه رسائل حروفیه، همان؛ هدایتنامه، در همان؛

El<sup>2</sup>, s.v. "Hurūfiyya" (by A. Bausani); TDVIA, s.v. "Hurūfik" (by Hüsamettin Aksu).

/ اکبر ثبوت /

**حَرّه، واقعه، قیام مردم مدینه به سرکردگی عبدالله فرزند حنظله بن ابی عامر\* (غسیل الملائکه) بر ضد حکومت یزید در سال ۶۳.** به سنگستان سیاه‌رنگ، حَرّه می‌گفتند (← خلیل بن احمد؛ یاقوت حموی، ذیل «حَرّه») و چون این قیام در سنگستانی در مشرق مدینه به نام حَرّه واقم (منسوب به مردی از عمالیک؛ یاقوت حموی، ذیل «حَرّه واقم») یا حَرّه زهره (منسوب به بنی زهره از اقوام یهود؛ سهیلی، ج ۶، ص ۲۵۵) برپا شد، به این نام معروف گردید. در بیشتر منابع، تاریخ واقعه حَرّه روز دوم ذیحجه یا دو سه روز مانده به آخر ذیحجه ۶۳ نوشته شده است (برای نمونه ← ابن قتیبه، الامامة والسياسة، ج ۱، ص ۱۸۵؛ بلاذری، ج ۴، قسم ۲، ص ۴۱؛ طبری، ج ۵، ص ۴۹۴). لذا روایاتی که آن را در سال ۶۲ دانسته‌اند (← بلاذری، ج ۴، قسم ۲، ص ۴۲؛ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۵۱)، نادرست می‌نمایند.

اگرچه ارتکاب معاصی متعدد از سوی یزید، از جمله قتل